

## روند جهانی و صنعت نساجی در ازبکستان



این کشور برای تولید این محصول، تمرکز بر روی پنبه می‌تواند مدخل بسیار مناسبی برای رشد و توسعه در ازبکستان محسوب شده و همزمان به سیاست‌های اقتصادی این کشور چارچوب بخشد به نحوی که طی ۱۵-۱۰ سال آینده ازبکستان بتواند از این طریق شاهد رشد و توسعه فراگیر در تمامی بخش‌های اقتصادی خود باشد.

### روند جهانی و تاثیر آن بر روی صنعت نساجی ازبکستان

در ۱۵-۱۰ سال گذشته تولید محصولات نساجی به صورت مشخص از اروپا و ایالات متحده به جنوب شرق آسیا، آسیای مرکزی و آمریکای لاتین نقل مکان کرده است. در همین راستا است که جمهوری ازبکستان به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پنبه در جهان امیدوار است بتواند نقش قابل ملاحظه‌ای در بازار جهانی محصولات نساجی داشته باشد. باتوجه به وجود اصل رقابت در تمامی حوزه‌های اقتصاد، در بازار پنبه و نساجی نیز تنها کشورهایی می‌توانند برنده اصلی باشند که بتوانند این کالاها را با کیفیت بالا و قیمت رقابتی و کم عرضه نمایند.

امروزه نیز نیاز این کشور برای ورود به مرحله سوم یعنی اعمال اصلاحات اقتصادی با هدف افزایش نرخ رشد اقتصادی با ثبات از طریق سیاست‌های صادراتی و حل سریع معضل بیکاری و چاره اندیشی برای نسل جدیدی که در سال‌های نه چندان دور وارد بازار کار می‌شوند، احساس می‌شود.

**جمهوری ازبکستان به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پنبه در جهان امیدوار است بتواند نقش قابل ملاحظه‌ای در بازار جهانی محصولات نساجی داشته باشد. باتوجه به وجود اصل رقابت در تمامی حوزه‌های اقتصاد، در بازار پنبه و نساجی نیز تنها کشورهایی می‌توانند برنده اصلی باشند که بتوانند این کالاها را با کیفیت بالا و قیمت رقابتی و کم عرضه نمایند.**

باتوجه به سابقه بسیار طولانی ازبکستان در تولید پنبه و از طرفی شرایط آب و هوایی

جهانی شدن اقتصاد و همزمان شکاف ایجاد شده از نظر درآمدها و استانداردهای زندگی بین کشورهای غنی و فقیر، جمهوری ازبکستان را نیز از مشکلات مربوطه بی‌نصیب نگذاشته است. با عنایت به این امر و به عنوان کشوری دارای اقتصاد در حال گذار، لازم است ازبکستان توجه خاص خود را بر روی دو نکته مهم متمرکز نماید؛ نخست طراحی و سپس اجرای سیاست‌های صنعتی متناسب به عنوان موتور محرک انتقال ساختاری، رشد اقتصادی و تنوع صادراتی.

در سال‌های اخیر و مشخصاً بعد از استقلال این کشور از اتحاد جماهیر شوروی سابق، چند مرحله مشخص در اقتصاد این کشور به چشم می‌خورد. در مرحله نخست که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ میلادی را شامل می‌شود، هدف اصلی ازبکستان "دستیابی به ثبات اقتصادی از طریق اعمال مکانیسم‌های سیاست پولی و توسعه سریع در صنایع اصلی از جمله نفت و گاز" بوده است. هدف عمده ازبکستان در مرحله دوم اقتصادی که سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ میلادی را شامل می‌شود، احیای اقتصادی کشور از طریق اعمال سیاست جایگزینی واردات و کاهش نیاز به واردات می‌باشد.

در ترکیه و برخی کشورهای مشترک المنافع، تولید کالاهای نساجی براساس قیمت‌های رقابتی به واسطه ادغام شرکت‌های بزرگ و تشکیل شرکت‌های سهامی که متولی تمامی امور از تولید پنبه تا تهیه کالای نهایی و عرضه آن به بازارهای جهانی هستند، میسر شده است. این روند در آینده توسط برخی از عوامل که در زیر به آن اشاره می‌شود، تحت تاثیر قرار خواهد گرفت:

۱- کاهش تدریجی پنبه در تجارت خارجی و جهانی و همزمان نیاز روز افزون جهان به منسوجات آماده. این شرایط ممکن است در صورت تصمیم کشورهای در حال توسعه به سرمایه‌گذاری و توسعه بخش نساجی خود تغییر نماید. صرفنظر از اینکه میزان تولید پنبه کم باشد (ترکیه و برزیل) یا زیاد (اندونزی، تایوان و مکزیک).

نتیجه اینکه پیش بینی می‌شود قیمت پنبه بدون افزایش نسبت به سال‌های اخیر در حد ۶۴-۵۷ سنت برای هر پوند در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۵ باقی بماند.

۲- فاصله جغرافیایی تولیدکنندگان اروپایی و آمریکایی از بازار براساس وسعت صادرات پوشاک که توسط کشورهای در حال توسعه و تحت نام مارک‌های معروف جهانی شرکت‌های نساجی صورت می‌گیرد.

۳- رقابت رو به افزایش در بازار نساجی بین چین و سایر کشورهای جهان. به منظور مقابله با قدرت رقابتی بالای چین در صنعت نساجی دنیا، برخی از کشورهای تولید کننده منسوجات سعی در اخذ ترجیحات انفرادی در بازار آمریکا و اروپا دارند.

۴- کاهش قیمت محصولات نساجی به خاطر رفع سهمیه بندی وارداتی برای پنبه در کشورهای توسعه یافته، آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپایی.

۵- کاهش قیمت محصولات نساجی به واسطه رقابت‌های رو به تزاید جهانی. قیمت‌های بالا تنها برای برخی صنایع پوشاک خاص، لباس‌های محدود و تازه مد و برخی کالاها با کیفیت بسیار بالا و عمدتاً نمایشگاهی قابل تصور می‌باشد.

۶- ظهور برخی فناوری‌های جدید برای تولید محصولات نساجی از مواد غیر سنتی (به عنوان نمونه استفاده از سیوس گندم و الیاف بامبو). در صورت گسترش استفاده از

**باتوجه به سابقه بسیار طولانی ازبکستان در تولید پنبه و از طرفی شرایط آب و هوایی این کشور برای تولید این محصول، تمرکز بر روی پنبه می‌تواند مدخل بسیار مناسبی برای رشد و توسعه در ازبکستان محسوب شده و همزمان به سیاست‌های اقتصادی این کشور چارچوب بخشد به نحوی که طی ۱۵-۱۰ سال آینده ازبکستان بتواند از این طریق شاهد رشد و توسعه فراگیر در تمامی بخش‌های اقتصادی خود باشد.**

این مواد برای تولید محصولات نساجی بازار پنبه جهان با رقابتی چشمگیر مواجه خواهد شد. نتیجه اینکه ظهور فناوری‌های جدید ممکن است بار دیگر صنعت نساجی را به کشورهای که ظرفیت استفاده از انواع جدید مواد اولیه دارند، سوق دهد.

با عنایت به موارد فوق تردید وجود ندارد که روند جهانی مستقیماً صنعت نساجی جمهوری ازبکستان را نیز تحت تاثیر خود قرار داده و این بخش را در اندیشه یافتن راهکارهای جدیدی برای تضمین آینده آن فرو خواهد برد.

### چرا صنعت نساجی برای ازبکستان یک اولویت محسوب می‌گردد؟

بنا به دلایل زیر این ضرورت احساس می‌شود که صنعت نساجی در سیاست‌های توسعه ملی با تعیین اولویت مورد بررسی قرار

گیرد:

۱. صنعت نساجی اگر چه سرمایه محسوب نمی‌شود اما به واسطه فعال نمودن بخش عظیمی از نیروی کار کشور، مشکلات بیکاری را مرتفع می‌نماید. اختصاص یک میلیون دلار سرمایه‌گذاری در برخی بخش‌های اقتصادی می‌تواند منجر به ایجاد ۵۰-۴۵ فرصت شغلی شود در صورتی که این میزان سرمایه در بخش انرژی و نفت و گاز ۱۰-۸ فرصت شغلی و در بخش ماشین سازی نیز ۱۵-۱۲ فرصت شغلی ایجاد خواهد نمود. توسعه سریع در بخش نساجی ابتدا به ساکن، باعث حمایت از نیروی کار در بخش‌های غیر شهری و روستایی شده و در صورت انجام اصلاحات در بخش کشاورزی می‌تواند منجر به ایجاد ۶۰۰-۵۰۰ فرصت شغلی در روستاها گردد که نتیجه این امر افزایش درآمدهای بودجه‌ای از جمله کیفیت بالای پنبه، دستمزد پایین نیروی کار و غیره در امر تولید و صادرات محصولات نساجی می‌باشد. در حال حاضر عمده نیازهای داخلی در زمینه منسوجات کشفاف و لباس‌های آماده توسط شرکت‌های داخلی و البته به صورت غیر رسمی تامین می‌شود. در صورت ایجاد شرایط مطلوب، تولیدکنندگان داخلی می‌توانند ضمن رقابت با تولیدکنندگان خارجی همزمان بازار داخلی را به صورت کامل پوشش داده و حتی محصولات خود را به بازارهای خارجی نیز ارسال نمایند.

۲- صدور محصولات نساجی به جای صدور پنبه خام مزیت‌های قابل ملاحظه زیر را برای کشور خواهد داشت: نخست آنکه باعث اختصاص ارزش افزوده به بخش صادراتی می‌شود که این امر بسیار قابل توجه می‌باشد. همچنین باعث ارتقای سایر بخش‌های اقتصادی کشور به خصوص صنایع شده و اقتصاد این کشور را از تک محصولی نجات خواهد داد.

**برگرفته از گزارش نمایندگی سیاسی ایران در تاشکند**

